

بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی با توجه به

نقش میانجی نشاط اجتماعی

محمد قاسمی^۱، نورمحمد یعقوبی^۱، عبدالعلی کشته‌گر^۱، سید عبدالرسول حسینی^۳*

۱. دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. استاد، گروه مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰)

چکیده

ناهنجاریهای اجتماعی از عوامل مخربی تلقی می‌شوند که می‌توانند هر جامعه‌ای را با مشکلات جدی مواجه سازند و در نتیجه جوامع هزینه‌های زیادی را برای مدیریت و کنترل آن‌ها متحمل شوند. بررسی ارتباط بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی، با توجه به نقش میانجی شادابی اجتماعی، هدف اصلی مقاله حاضر است. تحقیق پیش رو از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش از تحقیقات توصیفی است. جامعه آماری پژوهش ۱۱۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بودند که ۷۸ نفر از آن‌ها به کمک فرمول به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز، پس از توزیع پرسشنامه‌ها، جمع آوری و با استفاده از نرم‌افزارهای آماری Spss و Amos تجزیه و تحلیل شد. فرضیات تحقیق با استفاده از فن تحلیل مسیر و مدل سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و پس از تحلیل‌های آماری یافته‌های تحقیق بر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای تحقیق دلالت کرد که به تأیید فرضیه‌ها منجر شد؛ یعنی حکمرانی خوب رابطه معکوس و معنادار با ناهنجاری اجتماعی و رابطه معنادار و مستقیم با شادابی اجتماعی دارد. همچنین شادابی اجتماعی با ناهنجاری اجتماعی رابطه معنادار دارد. بدین ترتیب، میانجی بودن شادابی اجتماعی در رابطه بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی نیز تأیید شد.

کلیدواژگان

حکمرانی خوب، شادابی اجتماعی، ناهنجاری اجتماعی.

مقدمه

یکی از مسائلی که جوامع مدرن همواره با آن دست به گریبان بوده‌اند و به نظر عده‌ای از جامعه‌شناسان یکی از مشخصه‌های انسان و جامعه مدرن به شمار می‌رود ناهنجاری^۱ است. ناهنجاری، به منزله یک مسئله اجتماعی یا بیماری جامعه مدرن، نه تنها درمان روشنی نیافته، بلکه به دوران پسامدرن نیز انتقال یافته است؛ تا آنجا که برخی جامعه‌شناسان از ناهنجاری درونی شده در شخصیت افراد در جامعه سخن گفته‌اند و برخی دیگر با ترسیم تاریخ جوامع بشری، از ابتدایی تا مدرن، روند ساختار اجتماعی را به سوی ذره‌ای شدن و روند فرهنگ را در جهت ناهنجار شدن می‌دانند. جوامع جهان سوم، نظیر ایران، عموماً در شرایط ناهنجار، به صورت حاد یا مزمن، به سر می‌برند. این شرایط ناهنجار غالباً در فرایند گذار از جامعه پیش‌مدرن (سنتی) به مدرن و در نتیجه فرایندهای سریع و شتابان نوسازی (مدرنیزاسیون) اقتصادی پدید می‌آید که وضعیتی پیچیده و شامل بی‌هنجاری، تعارض هنجاری، و ضعف هنجاری است. در این شرایط، با ضعف اقتدار اخلاقی هنجارها (قواعد) و تعارض در آن‌ها و گاه با عرصه‌هایی فاقد هنجارهای روشن مواجهیم؛ طوری که الگوهای هنجاری به‌خوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی^۲ نیستند.

واژه ناهنجاری به معنای نبود معیارها یا قوانین و مقررات است. ناهنجاری مفهومی چندمعنایی است. در گذشته، ناهنجاری به معنای بی‌دینی و فقدان قانون تلقی می‌شد و این باور وجود داشت که بدون حضور قانون بشریت نابود خواهد شد. ناهنجاری نه تنها یک بحران سلامت، بلکه یک بحران بزرگ اخلاقی تلقی می‌شود (Septra 2018: 689-691).

جامعه ما - به موازات توسعه و گسترش شهرنشینی، دگرگون‌های فرهنگی، تغییر سبک زندگی، افزایش نیازها و محدود بودن راه‌های مشروع دستیابی به آن‌ها، شکاف طبقاتی، از بین رفتن اقتدار ارزش‌های سنتی، فراگیر شدن ارزش‌های مادی، فردگرایی، سرعت گرفتن تحولات و تطابق نداشتن اکثریت افراد جامعه با آن‌ها، ضعف کنترل‌های درونی و بیرونی، مهاجرت روستاییان به شهرها و ظهور پدیده حاشیه‌نشینی، بی‌کاری فزاینده جمعیت جوان، تورم، گرانی، و ... - با انواع آسیب‌های اجتماعی روبه‌روست.

1. Anomy

2. Social behavior

دگرگونی‌های پدیدآمده در زمینه علم و فناوری، ضمن آن‌که افق‌های نوینی را فراروی خدمات گوناگون گشوده، مسئولیت‌های جدیدی را برای بخش عمومی ایجاد کرده است. این دگرگونی‌ها، به یک مفهوم، به معنای پدید آمدن نقش‌های جدید - و به طور خاص برای دولت - است. دولت‌ها باید با افزایش قابلیت‌های^۱ خود، از طریق ایجاد الگوهای جدید، که به واسطه آن‌ها بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی و خصوصی و مدنی استفاده کرد، تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر سازند. الگوی حکمرانی خوب^۲ می‌تواند نظریه‌ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید و همچنین راه برون‌رفت از ناهنجاری و نابسامانی و ارائه خدمات عمومی^۳ بهتر باشد.

در این پژوهش تلاش شده، ضمن تبیین مفهوم حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، به بازشناسی نقش آن بر ناهنجاری اجتماعی، با توجه به نقش نشاط اجتماعی، به منزله متغیر میانجی، پرداخته شود. دولت‌ها باید با ارائه راهکارهایی در خصوص شادابی اجتماعی بتوانند زمینه‌هایی را در جهت رفاه و آرامش روانی افراد جامعه و در نتیجه کاهش ناهنجاری‌ها فراهم سازند. نشاط اجتماعی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و بیش از مداخلات پزشکی و روانی به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته است و در عین حال یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار است. شادابی اجتماعی یکی از شاخص‌های اجتماعی مهم و مؤثر در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، بسط تعاملات اجتماعی سازنده، رشد عمومی، و مشارکت همه‌جانبه به شمار می‌رود.

بیان مسئله

امروزه روند رو به رشد اختلالات و ناهنجاری‌های اجتماعی، فقدان منابع کافی حیاتی، و نیز کاهش استاندارد زندگی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی متعددی را در جامعه موجب شده است. بیگانگی و انزوای اجتماعی، بی‌خبری، و نداشتن امنیت روانی یا پشتوانه‌های اجتماعی از پدیده‌هایی بوده‌اند که از اوایل قرن بیستم موجب دل‌مشغولی بیشتر جامعه‌شناسان شده‌اند.

-
1. Capabilities
 2. Good governance
 3. General service

ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی به افول سرمایه اجتماعی^۱ منجر می‌شود. در نتیجه سرمایه اجتماعی کاهش و آسیب‌های اجتماعی و جرایم مختلف گسترش پیدا می‌کنند. در شرایط ناهنجار، به دلیل ضعف در حاکمیت هنجارها و تعارض میان آن‌ها و حتی پدید آمدن عرصه‌هایی فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می‌آید و الگوها به‌خوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نخواهند بود. به عبارت دیگر، در این شرایط، اختلال، تعارض، ناپایداری هنجارها، و در برخی زمینه‌ها بی‌هنجاری به‌وضوح قابل مشاهده است. در ضمن، گرایش به رفتارهای نابهنجار از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه باثبات و دور از تنش و انحراف را غیرممکن می‌سازد و هر گونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر مواجه می‌کند (Thorns 2002: 45).

در رابطه با حل مشکلات ناشی از ناهنجاری‌ها و شرایط ناهنجار موجود در جوامع باید راهکارهای مختلف و متنوعی ارائه شود تا جامعه هزینه‌های کمتری را متحمل شود. نقش پژوهشگر این است که با بررسی پژوهش‌ها و اخذ نظر خبرگان بتواند متغیرهایی را که بررسی آن‌ها زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی جهت کاهش رفتارهای ناهنجار است معرفی کند. در این پژوهش، محقق درصد بررسی نقش حکمرانی خوب برآمده است.

شواهد جهانی گویای آن است که یک حکومت توانمند، با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، با رشد درآمدها و افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی پیوند مستقیم دارد. در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد و درست‌کار و مبتنی بر شایسته‌سالاری‌اند، قوانین و مقررات ساده و روشن‌اند، حاکمیت قانون منصفانه اعمال می‌شود، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولتشان را افزایش می‌دهد، درآمدها و سرمایه‌گذاری و رشد افزایش می‌یابد، و امید به زندگی طولانی‌تر می‌شود.

به طور کلی، حکومت‌داری خوب دارای شش اصل مهم است: مشروعیت، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، پاسخگویی، کارایی (Keeping 2018: 3-5). در الگوی حکمرانی خوب، دولت باید در جامعه ثبات و پایداری برقرار کند، چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش

برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی تعیین و اجرا کند، و ثبات و امنیت و عدالت را بین افراد فراهم آورد. روی آوردن به نقش حمایتی در چنین شرایطی اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی خوب تغییر می‌دهد. حکمرانی خوب با سازوکارهایی چون همکاری‌های سیاسی بین دولت - ملت، تنظیم چارچوب‌های پاسخگویی دولت، نقش همه افراد در اداره امور، و مانند این‌ها قابل تصور است (Roy 2008: 691). حال مسئله این است که حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن چه نقشی در ناهنجاری اجتماعی^۱ ایفا می‌کند و چگونه می‌تواند به کاهش ناهنجاری‌ها و اختلالات اجتماعی منجر شود. هدف دیگر پژوهش این است که محقق با دخیل کردن متغیر میانجی شادابی اجتماعی در پی آن است که بررسی کند حکمرانی خوب چه نقشی در شادابی اجتماعی^۲ دارد و شادابی اجتماعی در نقش میانجی بین دو متغیر حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی از چه میزان تأثیر برخوردار است.

نشاط اجتماعی رضایت از زندگی توأم با عاطفه و هیجان مثبت ارزیابی می‌شود که برای ایجاد آن باید مؤلفه‌های مکملی همچون امید اجتماعی، مشارکت، رضایت، و اعتماد را در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی جامعه تقویت کرد. بدین منظور باید شاخص‌های ملموس و قابل اجرا در هر یک از حوزه‌های فعالیت نهادهای مدنی و دولتی با توجه به اقتضای ملی و نیاز و مختصات محلی تعیین شود و اجرای آن در سطح کشور مورد توجه قرار گیرد. سپس برای ارزیابی و بازخوردگیری و اصلاح مستمر آن اقدام شود تا در نهایت جامعه‌ای بانشاط ایجاد و برای آیندگان به میراث گذاشته شود.

مبانی نظری تحقیق

حکمرانی خوب با انتخاب رویکردی ارزش‌مدارانه به بازتعریفی از رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بازار (بخش خصوصی)، و جامعه مدنی می‌پردازد. دولت در مفهوم جدید با مؤلفه‌هایی مانند دموکراسی، عدالت محوری، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون، و کنترل فساد شناخته می‌شود. هر یک از این مؤلفه‌ها، با تأکید بر ارزش‌های بنیادین، اجرای الگوی حکمرانی خوب را به مثابه راهی

1. Social anomia

2. Social happiness

مفید و نتیجه‌بخش برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات و تغییرات اساسی در ساختارها و فرایندهای عملیاتی دولت و تأمین انسجام و اتحاد اجتماعی و پیشبرد سیاست‌های اصلاحی و توسعه مورد ارزیابی قرار می‌دهند (بیگی‌نیا و همکاران ۱۳۹۱: ۷۲). حکمرانی خوب در دهه آخر قرن بیستم از سوی نهادهای بین‌المللی - مثل بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل، و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول - به منزله راه‌حل معمای توسعه مطرح شد (یعقوبی ۱۳۹۴: ۱۱۹).

موضوع اصلی نظریه حکمرانی خوب، بهبود کیفیت دولت است. این موضوع به طور معمول به رشته علوم سیاسی و مدیریت عمومی یا مدیریت دولتی مربوط می‌شود و به طور مستقیم در حیطه علم اقتصاد قرار نمی‌گیرد. حکمرانی خوب واژه‌ای قدیمی است که اخیراً احیا شده است و به منزله مفهومی جدید در ارتباط با دولت و مدیریت دولتی به کار می‌رود (الوانی و علی‌زاده ثانی ۱۳۸۶: ۱۲). طی سال‌های اخیر دو مفهوم اصلی حکمرانی به سرعت در حال رشد بوده است. تعریف شناخته‌تر را بانک جهانی به کار گرفت و حکمرانی روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها تعریف شد. بر همین مبنا کشورهای را دارای حکمرانی خوب می‌دانند که توسط نظام‌هایی هدایت می‌شوند که رهبران آنها به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، و حق بهره‌گیری از حقوق انسانی و مدنی توجه می‌کنند. رویکرد دوم بر تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و سازمان‌های غیردولتی تمرکز و تأکید می‌کند؛ به گونه‌ای که بازیگران دولتی و غیردولتی به طور ترکیبی و همکارگونه به حل مشکلات اجتماعی می‌پردازند. این تفکر حکمرانی را شکلی از همکاری چندجانبه، به جای تأکید صرف بر نهادهای دولتی، می‌بیند (Brand 2007: 31-33).

نشاط اجتماعی. نشاط یکی از خلیقات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او ایفا می‌کند. نشاط عبارت است از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی. این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین و قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. وینهون^۱ (۱۹۹۳) جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف را از نشاط و شادمانی ارائه

کرده است. بر اساس این تعریف، شادمانی به درجه‌ای از قضاوت شخص دربارهٔ مطلوبیت کیفیت کل زندگی‌اش اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (میرشاه جعفری و همکاران ۱۳۸۱: ۵۱).

نشاط اجتماعی یکی از نیازهای اصلی جوامع امروزی است. چون شهروندان کلان‌شهرها کمتر فرصت پیدا می‌کنند به خود و نیازهایشان فکر کنند و به شدت مستعد افسردگی‌اند (Eddington & Shuman 2004: 19).

در این پژوهش در خصوص متغیر نشاط اجتماعی از دو مؤلفهٔ بهبود اجتماعی و بهبود فیزیکی استفاده شد. در رابطه با بهبود اجتماعی از زیرشاخص‌های محبت، تأیید رفتاری، و منزلت بهره گرفته شد. همچنین زیرشاخص‌های آسایش و انگیزه در گروه مؤلفهٔ بهبود فیزیکی قرار می‌گیرد. افراد جامعه زمانی حس نشاط و شادابی در آن‌ها سرزنده می‌شود که محبت اجتماعی و روابط منتج از آن بهبود یابد. در جامعه‌ای که افراد، هنگام رفتاری، دیگران را در کنار خود می‌بینند و از توجه دیگران برخوردار می‌شوند و بدون هیچ‌گونه تعصب در زمینهٔ قومیت و جنسیت و مذهب با کمال آرامش در کنار هم به کار و فعالیت یا زندگی می‌پردازند بستر شکل‌گیری جامعه‌ای شاد را فراهم می‌آورند.

یکی دیگر از خصیصه‌های جوامع بانشاط وجود اعتماد و روابط مبتنی بر آن بین افراد است. تضعیف کارکرد نهادهای غیررسمی و کاهش ارتباطات نزدیک و چهره‌به‌چهره در سایهٔ تکنولوژی‌های ارتباطی جدید و حذف زمان و مکان از تعاملات و مبادلات اجتماعی در دنیای مدرن اهمیت مقولهٔ اعتماد اجتماعی را در دنیای امروز دوچندان کرده است. حس برخورداری از احترام و داشتن شأن و منزلت اجتماعی شاخصی در جهت برقراری نشاط اجتماعی تلقی می‌شود. منزلت اجتماعی نفوذ و اعتباری است که جامعه و افراد به شخصی می‌بخشند، به جهت خصایص گوناگون و کم‌وبیش واقعی که به او منتسب می‌کنند. نظریه‌پردازان منزلت اجتماعی را مترادف پایگاه اجتماعی تلقی می‌کنند که فرد در گروه با استناد مرتبه و موقعیت اجتماعی یک گروه کسب می‌کند و بر اساس آن از برخی مزایا و ویژگی‌ها برخوردار می‌شود.

با توجه به مقولهٔ بهبود فیزیکی، به منزلهٔ مؤلفهٔ نشاط و شادابی اجتماعی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که زمانی در جامعه می‌توان به برقراری شادابی امیدوار بود که رفاه و آسایش افراد فراهم

باشد و آن‌ها با دغدغه‌ای از این جهت دست به گریبان نباشند. چگونه می‌توان انتظار نشاط از جامعه‌ای داشت که فقر اقتصادی سبب شده هر روز از میزان رفاه افراد کاسته شود. فردی که دغدغه تأمین نیازهای اساسی زندگی خود را داشته باشد و نتواند آرامش روحی و روانی برای خود و افراد تحت تکفلش فراهم کند نمی‌تواند فراهم‌کننده بستر شادی و شادابی برای خانواده و جامعه باشد.

در ایران، به واسطه اهمیت موضوع و تأثیر آن در موفقیت برنامه‌های کلان توسعه پایدار، ماده ۸۰ برنامه ششم توسعه، صراحتاً دولت را مکلف کرده به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، در زمینه تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، برای بسط و گسترش روحیه شادابی، نشاط، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی، و کاهش مفاسد اخلاقی اقدام کند.

جامعه‌ای که می‌خواهد پیشرفت کند و به آرمان‌های انسانی خود برسد باید شهروندانی بانشاط و شاداب داشته باشد و زمانی می‌توان به کمال نشاط اجتماعی رسید که همه آحاد مردم بانشاط و شاداب باشند. با جامعه شاداب و بانشاط می‌توان به اهداف مهم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و ... دست یافت و تصمیم‌گیران جامعه همواره می‌توانند از آن به منزله فرصتی بهینه استفاده کنند (Diener 2005: 205).

وقتی نشاط و شادی از یک جامعه رخت بر بندد، جامعه دچار معضلاتی چون افسردگی، انفعال، انحرافات مختلف فردی و جمعی و فرهنگی، و ... می‌شود. برای شاد بودن باید مؤلفه امید به زندگی را افزایش داد. چون امید به زندگی و شاد بودن باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. پس، برای افزایش امید به زندگی باید برای دوران نوجوانی و جوانی و دغدغه‌های این نسل ارزش قائل شد (عنبری و حقی ۱۳۹۳: ۲ - ۴).

ناهنجاری نوعی حالت بی‌اعتنایی و بی‌میلی و اکراه است. فرد احساس می‌کند کاملاً از افراد اجتماع فاصله گرفته و منزوی شده است. واژه ناهنجاری را سال ۱۸۹۷ امیل دورکیم وضع کرد؛ کلیدی‌ترین مفهوم در جامعه‌شناسی انحرافات دورکیم، برای تبیین همبستگی اجتماعی و افزایش میزان خودکشی در کشورهای اروپایی. این مفهوم بیانگر وضعیت بی‌ثباتی است که منجر به از بین رفتن ارزش‌ها و استانداردها، به دلیل نبود ایده یا هدف، می‌شود (Gupta & Gupta 2018: 257-260).

برای کاربست نظریه دورکیم^۱ در زمینه انحرافات، مشخص کردن معنی دقیق این مفهوم ضروری به نظر می‌رسد. برخلاف استفاده معنایی امروزه از مفهوم ناهنجاری، در دیدگاه دورکیم، ناهنجاری به معنی «بی‌هنجاری» یا «تضاد هنجاری» نیست. یگانه واژه‌ای که دورکیم در زمینه ناهنجاری به کار می‌برد واژه *dereglement* در کتاب خودکشی بود (Durkheim 1971: 228). به نظر مسترویچ و رونالد، از دورکیم‌شناسان بنام، معنی‌شناسی این مفهوم در آثار دورکیم حاکی از آن است که ناهنجاری نه به معنی «بی‌هنجاری»، بلکه به معنی «عدم التزام به قواعد اخلاقی» است (Mestrovic & Ronald 2008: 191).

در ناهنجاری عناصر اخلاق آسیب می‌بینند و فرد التزام خود را به قانون از دست می‌دهد. ازین رو «ناهنجاری وضعیتی است که در آن قواعد اجتماعی برای افراد الزام‌آور نیست و برای آن‌ها مطلوبیت ندارد». بنابراین، ناهنجاری مترادف با فساد و انحراف اخلاقی است (شیخاوندی ۱۳۸۴: ۱۰۲). فرد ناهنجار گذشته را از دست می‌دهد و به آینده امید ندارد. ناچار، در لحظه حال زندگی می‌کند. برخی جامعه‌شناسان از چنین شرایطی به عنوان حالت برزخی یاد می‌کنند. برای درک صحیح شرایط ناهنجار بهتر است ابتدا به هنجارهای جامعه توجه شود. چون، با شناخت هنجارها، بی‌هنجاری‌ها نیز راحت‌تر شناخته می‌شوند (جوادی و همکاران ۱۳۹۲: ۲۹).

ناهنجاری از مسائل دوران مدرن است. چون فرایند مدرنیزاسیون، چه در بعد فنی چه در بعد فرهنگی، موجب آسیب ساختار ارزشی پیشین شده و انسان مدرن را در فضایی مبهم به خود واگذاشته است. تحمیل سبک‌های جدید زندگی به انسان‌ها از جانب رسانه‌ها، در قالب تولید مداوم آرزومندی، نیاز دستیابی به سعادت و خوشبختی را برای انسان مدرن مبدل به معنایی کرده است که دستیابی به آن مدام به تعویق می‌افتد (دورکیم، به نقل از کوزر و روزنبرگ ۱۳۸۷: ۸۷). این موضوع که انسان ماهیتاً امیال سیری‌ناپذیر دارد و باید به وسیله نیروی نظم‌دهنده بیرونی مهار شود در تمدن به ما تناقض نشان می‌دهد. چون همین نیروی بیرونی در اشکال گوناگون کنش متقابل بین انسان‌ها، اجتماعی شدن در مدرسه و خانواده و ...، که همه ذیل گفتمان غالب قرار می‌گیرند، نه تنها برای امیال محدودیت ایجاد نمی‌کنند، بلکه برعکس مکانیسم‌هایی برای تولید میل و آرزومندی در انسان‌ها

هستند. این موضوع در آثار رابرت مرتون^۱ (۱۹۶۸) مورد تأکید قرار گرفته است که جامعه برای همه افراد یک الگوی زندگی مناسب را تعیین و در آن‌ها درونی می‌کند؛ اما وسایل دستیابی به این اهداف را در اختیار همگان به صورت برابر قرار نمی‌دهد و همین موضوع ریشه بروز ناهنجاری در جامعه است (گالتونگ به نقل از رجب‌زاده و کوثری ۱۳۸۲: ۲۱).

پیشینه تحقیق

تای دمسی بشی^۲ و رانویدرجیت کاتور (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی نقش شیوه‌های حکمرانی خوب در اعتماد عمومی به دولت محلی پرداخته‌اند. در این مطالعه، یک مدل مفهومی با انتخاب مدیریت شهری به صورت تجربی در اتیوپی مورد آزمایش قرار گرفت و نتایج نشان داد همه متغیرهای مستقل در توصیف سطح اعتماد عمومی به دولت محلی بسیار مؤثرند. بر این اساس، وجود شفافیت، پاسخگویی، و مسئولیت‌پذیری باعث افزایش اعتماد به مدیریت شهری می‌شود.

اولاکونله^۳ (۲۰۱۹) در تحقیقی که در کشور نیجریه انجام شد به بررسی انتقادی رابطه نزدیک بین حکمرانی خوب و توسعه پرداخت. نتایج نشان داد دموکراسی و حکمرانی خوب زمینه پیشرفت را فراهم می‌کنند و رهبری سیاسی نقش مهمی در تحقق آن ایفا می‌کند. بر این اساس توصیه می‌شود: ۱. طبقه روشنفکر در برنامه توسعه کشور مشارکت کنند؛ ۲. نیاز فوری به ایجاد یک نیروی کار مؤثر و انعطاف‌پذیر وجود دارد که بتواند برنامه‌های توسعه را آغاز و اجرا کند؛ ۳. باید تلاش شود ظرفیت‌های همه نهادهای حاکمیتی افزایش یابد تا آن‌ها بتوانند نقش خود را بهینه و به نفع کشور انجام دهند.

بیسواس^۴ (۲۰۱۹)، به منظور تدوین چارچوب یکنواخت حکمرانی خوب، در مطالعه‌ای به مقایسه تطبیقی ۲۲ چارچوب حکمرانی موجود در سراسر جهان پرداختند و ۱۳ معیار اصلی را همراه ۷۴ معیار فرعی فهرست کردند. در نهایت، در مطالعه‌ای موردی شهرستان بمبئی با نمونه‌هایی از شاخص‌های مستقیم مورد استفاده برای اندازه‌گیری معیارهای فرعی بررسی شد. فرایند کمی‌سازی نیز با استفاده از سه شاخص خاص انجام شده است. مثلاً سهم و نقش حکمرانی خوب

-
1. Robert Merton
 2. Taye Demissie Beshi
 3. Olakunle
 4. Biswas

از ۰/۰۰۱۲۱۸ در سال ۲۰۱۶ به ۰/۰۰۴۴۶۶ در سال ۲۰۱۷ برای شاخص «درصد محکومیت پرونده های فساد» به منزله زیرمعیار «کمیسیون فعال ضد فساد» از معیار پاسخگویی افزایش یافته است. محققان و همچنین سیاست‌گذاران می‌توانند از روش پیشنهادی برای ارزیابی حکمرانی هر گونه خدمات عمومی برای اصلاحات بیشتر سیاسی استفاده کنند.

چوی^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه علی بین ادراک کارکنان از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی و انحراف آن‌ها و مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها ناهنجاری در این روند کاهش می‌یابد پرداختند. یافته‌های مطالعه نشان داد: درک کارمندان از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر منفی بر انحراف کارکنان دارد، درک کارمندان از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر منفی بر ناهنجاری دارد، ناهنجاری بر انحراف کارمندان تأثیر مثبت دارد، و ناهنجاری در رابطه بین ادراک کارکنان از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی و انحراف کارکنان نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

ایال اکواس^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان «اندازه‌گیری نشاط سازمانی» یک تکنیک تشخیص خودکار ارائه داد که از پردازش زبان طبیعی (NLP) استفاده می‌کند تا ابزاری مؤثر و ساده در اختیار مدیریت منابع انسانی (HR) قرار دهد بدین منظور که بر میزان شادی به طور منظم نظارت کند و داده‌ها را به مثابه ابزاری برای ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها و سیاست‌ها و شیوه‌ها به کار گیرد. همچنین، یک مطالعه موردی برای نشان دادن اثربخشی چارچوب پیشنهادی ارائه شده است.

مقاله «حکمرانی چیست؟»، نوشته فرانسیس فوکویاما، در سال ۲۰۱۳ میلادی انتشار یافت. در این مقاله به دو بعد ظرفیت و خودمختای (استقلال) اشاره شده و در بعد ظرفیت، منابع (ثروت) و درجه تخصص‌گرایی کارمندان اداری در نظر گرفته شده است (Fukuyama 2013: 5-7).

سوورنو^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش «نقش حکمرانی خوب در تحقق حقوق دسترسی زنان به زمین» مشکل عدم تحقق حقوق زنان در دسترسی به زمین را یک چالش عمیق و گسترده معرفی می‌کند که در سیستم اقتصادی و سیاسی ریشه دارد. وی پیروی از اصول حکمرانی خوب را برای بهبود حق دسترسی زنان به زمین راه‌کار این مشکل معرفی می‌کند.

-
1. Choi
 2. Eyal Eckhaus
 3. Sewornu

مطالعه لویز و گانیلا^۱ (۲۰۰۹) نشان داد حکمرانی خوب هسته مرکزی بهبود عملکرد مراقبت‌های بهداشتی با کارایی بالاست. بر اساس نتیجه‌گیری این پژوهشگران، حکمرانی خوب راهی برای بهبود کارایی بخش بهداشت و درمان است.

رودرا^۲ و سانیا (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت‌های هندوستان» اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی را در هندوستان طی دو دهه اخیر با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کردند. در این مطالعه از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره‌های پیشین توسعه انسانی فعلی را در هندوستان تعیین می‌کند.

یافته‌های تحقیق آهوویا^۳ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد در کشورهای فقیر شادابی با فردگرایی پیوند منفی دارد و فردگرایی فایده‌گرایانه و فردگرایی اقتصادی، نه تنها سبب شادابی و خوشحالی افراد نمی‌شود، بلکه برعکس سبب کاهش انسجام اجتماعی می‌شود؛ درحالی‌که انسجام اجتماعی افراد را در مقابل دوره‌های حاد افسردگی و استرس حمایت می‌کند و کاهش آن افراد را در برابر حالات روانی منفی آسیب‌پذیرتر می‌کند و موجب کاهش سلامت اجتماعی آنان می‌شود.

در تحقیق وثوقی و همکارانش (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تأثیرات جمعی سرمایه اجتماعی، شادابی اجتماعی، و حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی» یافته‌ها بیانگر آن است که سه متغیر سرمایه اجتماعی، شادابی اجتماعی، و حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی مؤثرند و بیشترین تأثیر از آن سرمایه اجتماعی است. همچنین، متغیرهای شادابی اجتماعی و حمایت اجتماعی نیز بر سرمایه اجتماعی اثرگذارند و در نهایت متغیر حمایت اجتماعی موجب افزایش شادابی اجتماعی می‌شود.

بجارتاسون^۴ (۲۰۰۹)، در تحقیقی روی نوجوانان، مقیاس ناهنجاری را که در دو بخش بیرونی بودن^۵ و فشار^۶ طراحی شده بود به کار گرفت. در این تحقیق روابط این متغیر با پیامدهای مختلف روانی و اجتماعی بررسی شد. داده‌ها از پیمایش مدارس اروپا درباره مصرف الکل و مواد مخدر در

1. Lewis & Gunila
2. Rudra
3. Ahuvia
4. Bjarnason
5. Exteriority
6. Constraint

۱۸ کشور اروپایی در سال ۲۰۰۳ به دست آمدند. جامعه این تحقیق نوجوانان ۱۵ و ۱۶ ساله مدارس اروپایی بودند. نتایج نشان داد ناهنجاری با افسردگی، عزت نفس، سوء مصرف مواد، اقدامات مربوط به خودکشی، و فرار از مدرسه رابطه دارد. همچنین مشخص شد میزان ناهنجاری در کشورهای اروپای شرقی بالاتر است و همبستگی منفی و قوی با تولید ناخالص داخلی^۱ دارد. نیز ناهنجاری با سطوح بالاتر افسردگی، عزت نفس پایین تر، و سوء مصرف مواد همبستگی نشان داد.

کائو^۲ (۲۰۰۷) در تحقیقی تحت عنوان «بازگشت به وضع هنجار: ناهنجاری و جرم در چین»، علاوه بر اینکه مقیاسی جدید برای سنجش ناهنجاری معرفی کرد، اثر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، یعنی سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، داشتن بچه، طبقه اجتماعی، درآمد، و شغل و نیز متغیرهای نگرشی یعنی رضایت از زندگی و آزادی خواهی اجتماعی را بر ناهنجاری سنجید. داده‌ها از پیمایش ارزش‌های جهانی ۱۰۰۰ شهروند بزرگسال چینی (۱۸ سال به بالا) به دست آمدند. نتایج نشان داد متغیرهای شغل، داشتن بچه، و رضایت از زندگی به طور منفی با ناهنجاری مرتبطند که این یافته‌ها با پیشینه تحقیق در غرب همخوانی داشت. اثر سن، تحصیلات، و آزادی خواهی اجتماعی^۳ برخلاف انتظار بود و با پیشینه تحقیق در غرب همخوانی نداشت. اثر سن و آزادی خواهی بر ناهنجاری معنادار نبود؛ در حالی که تحصیلات با ناهنجاری رابطه مثبت داشت.

مدل مفهومی و فرضیات تحقیق

مدل مفهومی تحقیق در زمینه پیوندهای درونی میان متغیرهایی است که سرانجام در پویایی موقعیت مورد بررسی نقش دارند. پدید آوردن این مدل مفهومی کمک می‌کند روابط خاصی را در نظر بگیریم و آن‌ها را بیازماییم و درک خود را در زمینه پویایی‌های موقعیتی که قرار است پژوهش در آن صورت گیرد بهبود بخشیم (سکاران ۱۳۸۶: ۸۱).

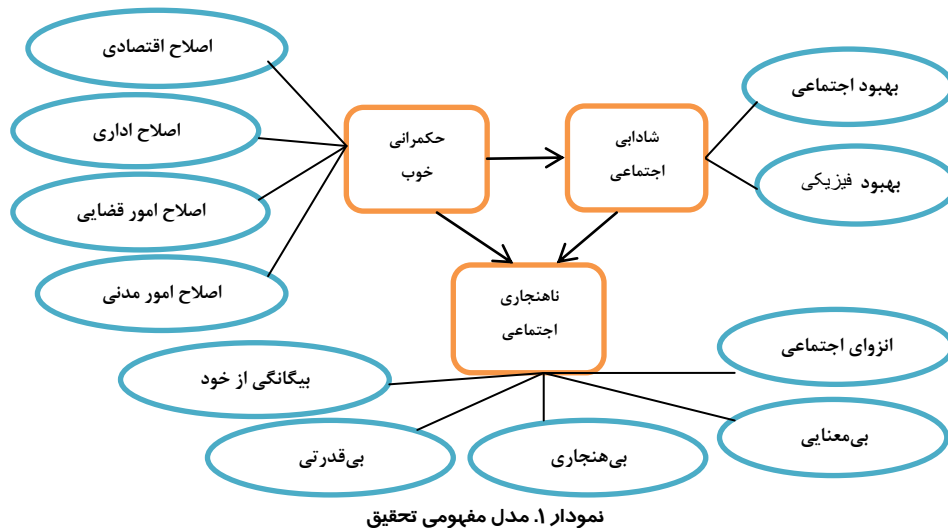
- بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین حکمرانی خوب و شادابی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین شادابی اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی رابطه وجود دارد.

1. Growth domestic production

2. Cao

3. Social liberalism

- حکمرانی خوب از طریق شادابی اجتماعی با ناهنجاری اجتماعی رابطه دارد.



روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش از دسته تحقیقات توصیفی است. جامعه آماری پژوهش ۱۱۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز بودند. در این تحقیق، جهت نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. در نمونه‌گیری تصادفی هر یک از عناصر جامعه مورد نظر برای انتخاب شدن شانس مساوی دارند. مطابق قانون احتمال، افراد انتخاب‌شده باید ویژگی‌هایی همانند جامعه‌ای که از آن انتخاب شده‌اند داشته باشند (آذر ۱۳۸۳: ۳). در این پژوهش از رابطه ۱ برای تعیین حجم نمونه استفاده شد (حسینی ۱۳۸۲: ۱۴).

$$n = \frac{N \times (Z_{\alpha/2})^2 \times (P \times (1-P))}{(N-1) \times \varepsilon^2 + (Z_{\alpha/2})^2 \times (P \times (1-P))} \quad 78 = \frac{110 \times 3/8416 \times 0/25}{(110-1) \times 0/036 + (3/8416 \times 0/25)} \quad (1)$$

با توجه به تعداد نمونه ۷۸ نفره، محقق به توزیع ۷۸ پرسشنامه در جامعه آماری اقدام کرد. همه پرسشنامه‌ها بازگشت داده شد و مورد استفاده قرار گرفت.

در این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات، از سه پرسشنامه استفاده شد و روایی آن‌ها از طریق روایی محتوایی^۱ با نظرخواهی از پژوهشگران برجسته و صاحب‌نظر و پایایی آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ تعیین شد. پرسشنامه شماره ۱ مربوط به حکمرانی خوب بود. در خصوص سنجش این متغیر از مقیاس استفاده‌شده در تحقیق صفری و همکارانش (۱۳۹۱) بهره برده شد. در تحقیق ایشان با استفاده از مبانی نظری و نظر خبرگان دانشگاهی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های حکمرانی خوب تعیین و استخراج شده و پایایی پرسشنامه ۸۲/۵ درصد بوده است.

پرسشنامه دوم مربوط به ناهنجاری اجتماعی (سیمن و همکاران ۲۰۰۴) بود؛ حاوی پنج بعد (بیگانگی از خود، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، بی‌معنایی) و نوزده سؤال. پایایی پرسشنامه استفاده‌شده در این تحقیق ۸۵/۳ درصد بوده است.

پرسشنامه سوم در خصوص متغیر شادابی اجتماعی بود که برای سنجش آن از مقیاس لیدنبرگ (۱۹۹۳) استفاده شد. پرسشنامه مورد اشاره از دو بعد و پنج خرده‌بعد و بیست و پنج سؤال تشکیل شده و پایایی به‌دست‌آمده برابر با ۸۱/۷ بود.

در این پژوهش، جهت شناسایی اطلاعات جمعیت‌شناختی از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، واریانس، و ...) و برای یافتن رابطه بین متغیرهای تحقیق از فن تحلیل مسیر و مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار آموس استفاده شد.

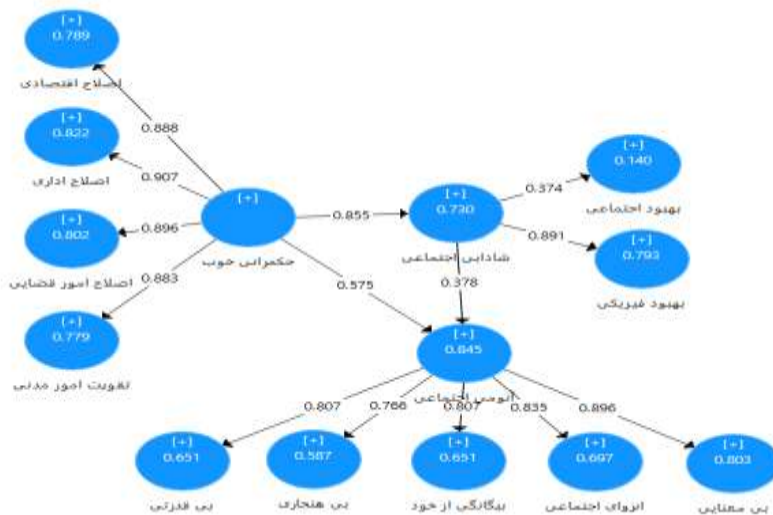
یافته‌های تحقیق

پس از جمع‌آوری اطلاعات، جهت مشخص کردن اینکه شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده) تا چه اندازه در خصوص سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول باشند، باید در مرحله اول همه متغیرهای مشاهده‌شده به طور مجزا آزمون شوند. ازین‌رو شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) ارزیابی شدند که آزمون شاخص‌های برازش برای مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی حاکی از آن است که شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای آشکار) در خصوص سنجش و اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از وضعیت مطلوبی برخوردارند (جدول ۱).

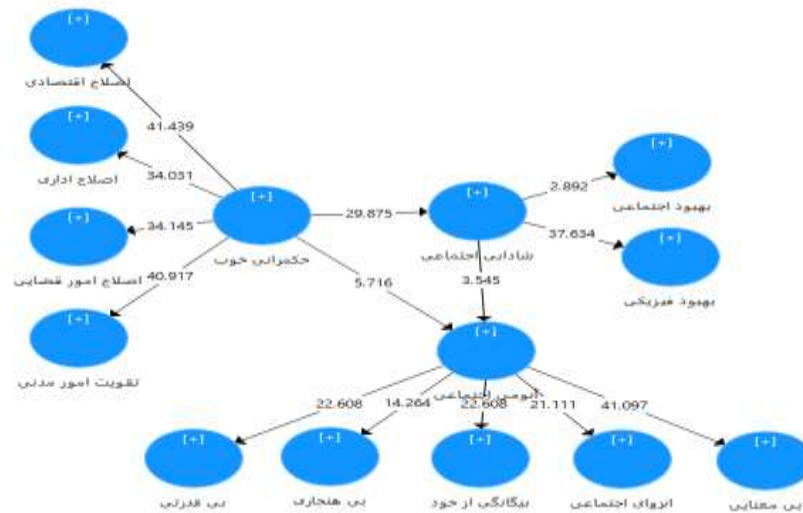
جدول ۱. بارهای عاملی متغیرهای تحقیق

متغیر پنهان	متغیر آشکار	بار عاملی	p-value	متغیر پنهان	متغیر آشکار	بار عاملی	p-value
	اصلاح اقتصادی	۰/۸۸۸	۰/۰۰۰		اصلاح اقتصادی	۰/۸۹۶	۰/۰۰۰
حکمرانی	اصلاح اداری	۰/۹۰۷	۰/۰۰۱		انزوای اجتماعی	۰/۸۳۵	۰/۰۰۲
خوب	اصلاح امور قضایی	۰/۸۹۶	۰/۰۱۲	ناهنجاری	بیگانگی از خود	۰/۸۰۷	۰/۰۰۰
	تقویت امور مدنی	۰/۸۸۳	۰/۰۰۰	اجتماعی	بی قدرتی	۰/۸۰۷	۰/۰۰۰
شادابی	بهبود اجتماعی	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰		بی هنجاری	۰/۷۶۶	۰/۰۰۱
اجتماعی	بهبود فیزیکی	۰/۸۹۱	۰/۰۰۰				

در پژوهش حاضر به منظور آزمون معناداری فرضیه‌ها از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و سطح معناداری استفاده شد. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد. همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار سطح معناداری حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۰/۹۵ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS استفاده شد. خروجی نرم‌افزار در نمودار ۲ و ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۲. مدل پژوهش در حالت تخمین استاندارد



نمودار ۳. مدل پژوهش در حالت ضرایب معناداری

با توجه به اطلاعات جدول ۲، می‌توان دریافت که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. با در نظر گرفتن نتایج تجزیه و تحلیل مدل، فرضیه‌های پژوهش بررسی شد. همچنین، شاخص CR و AVE برای مدل محاسبه شد. مقادیر محاسبه شده در جدول ۲ قابل مشاهده است. ضرایب مسیر آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری و نتیجه فرضیات پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۲. مقادیر CR و AVE محاسبه شده

ردیف	معیارهای برازش مدل	شاخص	بعد	حد مطلوب	نتیجه
۱	پایایی ترکیبی	CR	۰/۷۹	بیشتر از ۰/۷۰	قابل قبول
۲	پایایی همگرا	AVR	۰/۶۸	بیشتر از ۰/۵	قابل قبول

جدول ۳. ضرایب مسیر و مقادیر آن

فرضیه	مسیر	ضریب مسیر	T	نتیجه
۱	حکمرانی خوب ← ناهنجاری اجتماعی	-۰/۵۷	۵/۷۱	تأیید فرضیه
۲	حکمرانی خوب ← شادابی اجتماعی	۰/۸۵	۲۹/۸۷	تأیید فرضیه
۳	شادابی اجتماعی ← ناهنجاری اجتماعی	-۰/۳۸	۳/۵۴	تأیید فرضیه
۴	حکمرانی خوب ← شادابی اجتماعی	۰/۸۵x-۰/۳۸=۰-۰/۳۲	نیاز به آزمون سوئل	تأیید فرضیه

هنگامی که مقادیر ضریب مسیر t در بازه بیشتر از $1/96+$ باشد، بیانگر معنادار بودن پارامتر مربوطه و متعاقباً تأیید فرضیه‌های پژوهش است. با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها، چهار فرضیه مدل تأیید می‌شوند. مقدار ضریب معناداری فرضیه اول پژوهش $5/71$ است و نشان می‌دهد حکمرانی خوب رابطه مثبت و معنادار با ناهنجاری اجتماعی دارد. مقدار ضریب معناداری برای فرضیه دوم و سوم بالاتر از $1/96$ است که فرضیه‌های پژوهش را تأیید می‌کند و بیانگر آن است که حکمرانی خوب رابطه معنادار و مستقیم با شادابی اجتماعی دارد (فرضیه دوم) و همچنین شادابی اجتماعی با ناهنجاری اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار دارد (فرضیه سوم). با توجه به تأیید شدن فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش، فرضیه چهارم پژوهش، یعنی میانجی بودن شادابی اجتماعی در رابطه بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی، تأیید می‌شود. پس از بررسی معناداری فرضیه‌های پژوهش، باید شدت روابط بین متغیرها بررسی شوند. با توجه به ضرایب استاندارد شده مسیر در نمودار ۲، حکمرانی خوب به ترتیب $0/57$ و $0/85$ درصد از ناهنجاری اجتماعی و شادابی اجتماعی را به طور مستقیم تبیین می‌کند. شادابی اجتماعی نیز به میزان $0/38$ از ناهنجاری اجتماعی را به طور مستقیم تبیین می‌کند. همچنین، با مورد تأیید قرار گرفتن نقش میانجی‌گری شادابی اجتماعی، حکمرانی خوب دارای اثر غیرمستقیم و معنادار، برابر $0/32-$ بر ناهنجاری اجتماعی از طریق شادابی اجتماعی است. در این پژوهش از آزمون سوبل^۱، که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه بین دو متغیر دیگر به کار می‌رود، استفاده شد. در آزمون سوبل، یک مقدار z -value از طریق رابطه ۲ به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از $1/96$ ، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد.

$$Z\text{-value} = \frac{a \times b}{\sqrt{(b' \times s_{a'}}) + (a' \times s_{b'}) + (s_{a'} \times s_{b'})} \quad (2)$$

در رابطه ۲، a مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی، b مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته، s_a خطای استاندارد مسیر میان متغیر مستقل و میانجی، و s_b خطای استاندارد مسیر میان متغیر میانجی و وابسته است.

$$z_{\text{test}} = -0.57 \times 0.38 \sqrt{(0.57^2 \times 0.4^2) + (0.38^2 \times 0.11^2) + (0.04^2 \times 0.11^2)}$$

مقدار z-value حاصل از آزمون سو بل برابر با ۲/۹۴ بود که به دلیل بیشتر بودن از مقدار ۱/۹۶ می توان اظهار کرد در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر متغیر میانجی شادابی اجتماعی در رابطه میان حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی معنادار است. برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی از آماره VAF استفاده شد که مقداری بین ۰ و ۱ را اختیار می کند و هر چه این مقدار به ۱ نزدیک تر باشد نشان از قوی تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. در واقع این مقدار نسبت اثر مستقیم بر اثر کل را می سنجد. VAF از طریق رابطه ۳ به دست می آید.

$$VAF = \frac{a \times b}{(a \times b) + c} \quad 0/20 = \frac{0/57 \times 0/38}{(0/57 \times 0/38) + 0/85} \quad (3)$$

در رابطه ۳، a مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی، b مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته، و c مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته، و مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته است. مقدار به دست آمده برای VAF از طریق رابطه ۳ بدین معنی است که ۲۰ درصد از اثر حکمرانی خوب بر ناهنجاری اجتماعی از طریق متغیر میانجی شادابی اجتماعی تبیین می شود.

بحث و نتیجه

شرایط نامطلوب اقتصادی به طور غیرمستقیم زمینه بزهکاری را فراهم می آورد. زیرا ممکن است مانع رشد طبیعی افراد شود و از سویی دیگر ناراحتی و بی نظمی و اختلال را در جوامع دامن بزند و موجب بروز ستیزه جویی و ناهنجاری شود. تاریخ نشان می دهد در شرایط نامطلوب اقتصادی و در وضعیتی که در کشور تورم اقتصادی حاکم باشد شکاف طبقاتی عمیق تر خواهد شد که نتیجه آن را می توان در ثروتمندی ناگهانی تعداد قلیلی از اقشار جامعه و فقر اقتصادی تعداد کثیری از جامعه مشاهده کرد. ظاهر امر نشان می دهد فقر می تواند زمینه ساز ناهنجاری و اختلال در جامعه باشد که البته این موضوع مطلق نیست و تا حدی نسبی است. اما نباید فراموش کرد که ثروتمندی کوتاه مدت و صرفاً ثروتی که با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه در جیب عده ای

فرومی‌رود، چون ظرفیت چنین اندوخته و ثروتی در این افراد ایجاد نشده، منجر به ایجاد ناهنجاری از سمت‌وسوی این دسته افراد می‌شود.

برادران شرکای و ملک‌الساداتی (۱۳۸۶) در مطالعه «حکمرانی خوب؛ کلید توسعه آسیای جنوب غربی» این فرضیه را تأیید می‌کنند که بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه دارد و دو سازوکار رقابت و پاسخگویی را مکانیسم‌های مؤثر در بهبود حکمرانی منطقه معرفی می‌کنند.

مقداری (۱۳۸۶) در مطالعه «بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی ایران» نشان داد همه مؤلفه‌های سنجش حکمرانی، به جز مؤلفه حق اظهارنظر و پاسخگویی، تأثیر مثبت و معناداری بر تولید سرانه نیروی کار در بلندمدت گذاشته است و از بین این مؤلفه‌ها اثر شاخص کارآمدی و اثربخشی دولت نسبت به سایر موارد بیشتر است. همچنین شاخص کیفیت حکمرانی، که از تجمیع مؤلفه‌های ششگانه حکمرانی خوب به دست می‌آید، در بلندمدت و کوتاه‌مدت، تأثیری کاملاً معنادار و مثبت بر رشد اقتصادی ایران گذاشته است.

جامعه مدنی، به منزله نهادی واسط میان دولت و ملت، یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب است که تقویت آن می‌تواند راهکاری در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی باشد. جوامع مدنی نقش نظارتی مهمی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دارند؛ به طوری که امروزه در جوامع بخشی از بار فسادزدایی، گسترش دایره شفافیت، و ایجاد نظم و آرامش بر عهده نهادهای مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد است. تقویت جامعه مدنی شفافیت را در عرصه اجتماعی و سیاسی سازماندهی می‌کند و به کاهش فساد اجتماعی منجر می‌شود. همچنین پاسخگویی را به وضعیتی متداول مبدل می‌سازد؛ به این معنی که افراد و جریان‌های سیاسی به دلیل حس نظارتی که بر رفتار و رویکردهای آنان وجود دارد سعی می‌کنند به سمت ناهنجاری گرایش پیدا نکنند. پاسخگو نبودن مسئولان به نارضایتی مردم می‌انجامد و این نارضایتی در اقداماتی همچون خراب‌کاری و بی‌نظمی و ناهنجاری نمایانگر می‌شود.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) در مطالعه «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» نشان دادند اثر نهادهای عمومی، چون حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل

فساد، و حاکمیت بروکراسی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است و اثر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی یا همان شاخص دموکراسی مثبت غیرمعنادار است.

ارند^۱ (۲۰۰۲) در پژوهش خود تحت عنوان «سرمایه انسانی و فساد» به تأثیر آموزش بر فساد اشاره می‌کند. وی بر آن است که فساد به ظرفیت‌های جامعه مدنی و نظارت مقامات دولتی بستگی دارد. اگر این ظرفیت‌ها به خوبی توسعه یافته باشند، آموزش و پرورش فساد را کاهش می‌دهد؛ در حالی که اگر نظارت مدنی کم باشد، ممکن است فساد بالاتر به وجود آید. همچنین، شواهد تجربی این پژوهشگر بر رابطه مثبت آزادی مطبوعات و فساد تأکید می‌کند.

یکی از ویژگی‌های حکمرانی خوب ثبات سیاسی است. فقدان تساهل و مدارای سیاسی بین گروه‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی و حتی بین مردم به دنبال عدم ثبات سیاسی به وجود می‌آید. در واقع، به طور طبیعی، زمانی که مطالبات سیاسی مردم انباشته می‌شود و دولت‌ها، به جز سرکوب و خاموش کردن صدای مخالف، هیچ پاسخی به این مطالبات نمی‌دهند، مردم از هر فرصتی که پیدا کنند به حکامشان واکنش نشان می‌دهند.

هرالا^۲ و تورک - آریس (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر انباشت سرمایه انسانی در کشورهای حوزه منا پرداختند. نتایج نشان داد بی‌ثباتی سیاسی با تشدید شرایط اخذ اعتبارات مانع انباشت سرمایه انسانی در این کشورها می‌شود.

منتینلا و جاکمن^۳ (۲۰۰۲) در پژوهش خود، تحت عنوان «منابع فساد: مطالعه مقطعی کشورها»، نشان دادند رقابت سیاسی بر میزان ناهنجاری و فساد تأثیرگذار است. اما این اثر غیرخطی است. فساد به طور معمول در کشورهای دیکتاتورمحور نسبت به کشورهایی که تا حدودی دموکراتیک‌اند کمتر است. این پژوهشگران در عین احترام به رابطه رقابت اقتصادی و فساد به این نتیجه رسیدند که اندازه دولت به طور سیستماتیک فساد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. اما عضویت در اوپک بر فساد تأثیرگذار است. در نهایت فساد در کشورهایی با درآمد پایین بین کارکنان بخش دولتی فراگیرتر است.

1. Ahrend

2. Herrala

3. Montinola & Jackman

با اصلاحات قضایی، مردم متوجه برخوردهای جدی و آنی با متخلفان و مفسدان می‌شوند و از این طریق، علاوه بر شکل‌گیری اعتماد در مردم، می‌توان فساد کمتری را شاهد بود. منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی این است که سیاست‌گذاران همانند شهروندان در برابر قوانین یکسان انگاشته شوند و درباره عملکرد خود پاسخگو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت و انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد و تثبیت حاکمیت قانون می‌تواند زمینه‌ساز نظم و انضباط اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی باشد.

بیلگر و گل^۱ (۲۰۰۹) طی مطالعه مقطعی صد کشور نشان دادند میان فاسدترین کشورها اندازه دولت (بزرگی آن) و آزادی بیشتر اقتصادی تأثیری بر کاهش فساد ندارد؛ اما، وجود دموکراسی بیشتر باعث کاهش فساد می‌شود. این پژوهشگران بر آن‌اند که باید در برخی از سیاست‌های کنترل فساد کنونی تجدید نظر شود.

اورنسل^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه «فساد، رشد، و نوسانات رشد» نشان داد از میان مؤلفه‌های حکمرانی فقط کنترل فساد و اثربخشی دولت بر میزان رشد متوسط تأثیر می‌گذارند. با توجه به ارتباط میان نوسانات و مؤلفه‌های حکمرانی، کنترل بیشتر فساد، اثربخشی دولت، و هزینه‌های آن باعث کاهش نوسانات رشد خواهد شد. پس می‌توان نتیجه گرفت بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

در این تحقیق رابطه معنادار بین حکمرانی خوب و شادابی اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. یکی از مسائل اساسی درباره شادی و نشاط این است که تلاش افراد و خانواده‌ها برای رسیدن به شادی‌های مفید در هیچ جامعه‌ای به تنهایی کافی نیست، بلکه کل جامعه باید به این باور برسد که شادی و نشاط برای جامعه جزء بدیهی‌ترین و بااهمیت‌ترین نیازمندی‌هاست و به آن به منزله یک سرمایه اجتماعی بنگرند؛ که در صورت برخورداری جامعه از آن، نتایج آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت سهم کل جامعه خواهد شد.

1. Billger & Goel

2. Evrensel

چنانچه بخواهیم شاهد گسترش و توسعه شادی در جامعه باشیم، باید در نهادهای قانون‌گذار، تصمیم‌گیر، و تصمیم‌ساز نوعی نگاه فراگیر را رواج دهیم و به دنبال قوانین و طرح‌ها و برنامه‌هایی باشیم که به هیچ‌یک از حوزه‌های حیات بشری بی‌توجه نباشد. از سوی دیگر برای تحقق این فراگیری باید وظایف و تکالیف افراد و خانواده‌ها به آن‌ها یادآوری شود. همچنین، باید نقش وظایف و تکالیف همه دستگاه‌ها درباره شادی و نشاط روشن شود و در صورتی که این کار با جامعیت پیش‌بینی شود، به هم‌افزایی فعالیت‌ها می‌انجامد.

شادی و نشاط در جامعه اسلامی با ملت‌ها و فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. این تفاوت هم در ماهیت هم در غایت آن است. از سوی دیگر سرعت و حجم تبادل اطلاعات و حضور و ظهور رسانه‌های نوین به گسترش عناصر فرهنگی دیگر در جامعه کمک می‌کند و زمینه تأثیرپذیری جامعه از انواع شادی و نشاط‌هایی که ارمغان این تبادل یا تهاجم فرهنگی است بسیار زیاد است. بنابراین، نقش دستگاه‌های سیاست‌گذار، تصمیم‌ساز، و برنامه‌ریز در ترسیم نقشه جامع شادی و نشاط جامعه اسلامی، که برگرفته از اصول و مبانی و آموزه‌های دینی و ملی است، بسیار جدی و اجتناب‌ناپذیر است.

رویکرد علمی به شادی و نشاط عمومی اقتضا می‌کند هم موضوع به صورت علمی خوب شناخته شود هم اینکه باید جامعه هدف جنبه‌های مختلف شادی را خوب شناسایی و درک کند. و در نهایت، حتی در معرفی راهکارها نیز باید به سراغ مبانی علمی برود. به این منظور، یکی از نیازهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در حوزه ایجاد و گسترش شادی عمومی اتکا به پستوانه پژوهشی و محققانه مراکز علمی و پژوهشی است.

لارسون^۱ و پترسون (۲۰۰۰) اعلام کردند شادی و نشاط می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد و بانشاطاند احساس امنیت بیشتری دارند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند، و از کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند و جامعه و حکومت بیشتر اظهار رضایت می‌کنند.

آدلر^۲ و فاگلی (۲۰۰۵) نشان دادند نشاط و رضایت از زندگی از میزان خودآگاهی به

1. Larson

2. Adler

خوشبینی و معنویت‌گرایی و قانون‌پذیری فرد متأثر است. به عبارت دیگر هر چه افراد قانون‌پذیرتر، خودآگاه‌تر، خوش‌بین‌تر، و از معنویت‌گرایی بالاتری برخوردار باشند به همان میزان از رضایت و نشاط بالاتری برخوردارند.

در این تحقیق رابطه معنادار بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی از طریق شادابی اجتماعی تأیید شد. اصلاحات اقتصادی به منزله مؤلفه حائز اهمیت حکمرانی خوب منجر به بهبود روند اقتصادی در حوزه‌هایی همچون کاهش تورم، ایجاد اشتغال، و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود. علاوه بر اصلاحات اقتصادی، می‌توان به مؤلفه‌های دیگری از حکمرانی خوب، همچون تقویت جامعه مدنی و اصلاح امور قضایی و اداری، اشاره کرد که اصلاح و تقویت آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی جامعه از حیث طراوت و شادابی و در نتیجه کاهش اختلالات و ناهنجاری‌های اجتماعی باشد.

در حکمرانی خوب به افراد ناراضی اجازه داده می‌شود ناراضی‌های خود را مطرح کنند و به نقد و انتقاد بپردازند و از شکل‌گیری خفقان و اصطلاحاً آتش زیر خاکستر ممانعت به عمل می‌آید. در جوامع مدنی به مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت جامعه اساسی نگاه می‌شود؛ طوری که وقتی افراد همکاری و مشارکت خود را در این باره به صورت واقعی مشاهده می‌کنند کاستی‌های موجود را به نحو مطلوب‌تری پذیرا می‌شوند و سعی می‌کنند پشتیبان و حامی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها باشند و از اقدامات و فعالیت‌های هنجارشکنانه خودداری ورزند و حس مشارکت و مورد پذیرش قرار گرفتن از سوی مسئولان و نهادها منجر به حس شغف و شادابی در آن‌ها می‌شود.

امروزه بروکراسی‌های اداری و تشریفات موجود در سازمان‌ها نیز از ابزار ناراضی‌های مردم محسوب می‌شوند. حکمرانی خوب با ایجاد اصلاحات اداری می‌تواند ایجادکننده بسترهایی جهت ایجاد رضایت در جامعه باشد. علاوه بر این امروزه برخی از ناهنجاری‌ها از درون سازمان‌ها نشئت می‌گیرد و آن‌هم از ضعف اداری سازمان‌ها ناشی می‌شود که سبب می‌شود شایسته‌سالاری و ضابطه‌مندی مغفول واقع شود و رابطه‌مداری جایگزین آن شود؛ که نتیجه آن چیزی جز ناراضی‌های پرسنل و حیف و میل شدن بیت‌المال نیست. پرسنل ناراضی نظام ناشایسته‌سالار سعی می‌کنند ناراضی‌های خود را در ارائه خدمات

نامطلوب به ارباب رجوع نشان دهند و ارباب رجوعی که مورد کم‌لطفی پرسنل واقع می‌شود این بی‌مهری را از طریق ایجاد اختلال و هنجارشکنی در جامعه جبران می‌کند. یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی خوب، که می‌تواند زمینه‌ساز نشاط و شادابی در جامعه باشد، اصلاح امور قضایی است و در نتیجه چنین شادابی‌ای می‌توان به داشتن جامعه‌ای منضبط و هنجارمحور امید داشت. در جامعه‌ای که با متخلف و مفسد در سریع‌ترین زمان ممکن برخورد شود و در رسیدگی به فساد، صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن را مرتکب شده، هیچ تمایزی وجود نداشته باشد، افراد پایبندی بیشتری به قوانین خواهند داشت و در نتیجه این پایبندی می‌توان روح نشاط و شادابی را در جامعه مشاهده کرد.

شارما^۱ و همکارانش (۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در کنار عوامل شخصیتی عوامل اجتماعی، از جمله نوع حکومت و هنجارهای جامعه، به طور مساوی، در تعیین میزان نشاط و شادکامی افراد نقش دارد.

هالر^۲ و هادلر (۲۰۰۶) در تحقیقی که در زمینه میزان نشاط و شادمانی در چهارده کشور در پیمایش هنجارها و ارزش‌های جهانی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هنجارهای اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی از جمله نحوه رهبری جامعه، مشارکت اجتماعی، اصلاحات اقتصادی و قضایی، و ... بر نشاط و شادمانی تأثیرگذار است.

پیشنهاد

در این تحقیق فرضیات مورد تأیید قرار گرفت و با توجه به نتیجه مثبتی که کاهش ناهنجاری اجتماعی در جامعه دارد و با علم به اینکه حکمرانی خوب می‌تواند تزریق‌کننده روح نشاط و شادابی در جامعه باشد، لازم است به برخی موضوعات به طور ویژه توجه شود.

- ایجاد یگانگی فکری و عقیدتی میان نخبگان سیاسی.

- فرهنگ‌سازی مبارزه با ناهنجاری و فساد در کشور از طریق دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، و

رسانه‌های عمومی.

1. Sharma

2. Haller

- تشویق جامعه مدنی و افزایش آزادی‌های شخصی و حقوقی در جهت تعامل بیشتر با دولت و ایجاد فضای سالم اظهارنظر که خود باعث پاسخگویی دولت و سایر نهادهای حکمرانی می‌شود.
- افزایش نهادهای بازرسی و نظارت بر چگونگی اعمال قانون در کشور جهت کاهش ناهنجاری و فساد در حکومت و نهادهای وابسته دولتی و خصوصی و افزایش حاکمیت قانون.
- شکل‌گیری انسجام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در کشور. در حال حاضر، کشور ما در وضعیت مطلوب انسجامی به سر نمی‌برد و تقریباً بیشتر نهادها و ارگان‌های نظام سیاسی علیه یک دیگر عمل می‌کنند.
- پرهیز از ایجاد تنش‌های سیاسی و تقویت ساختارهای تثبیت‌کننده سیاسی به منظور تأمین امنیت و ایجاد اعتماد در مردم.
- ارتقای قدرت دولت در تحقق اهداف برنامه‌ریزی شده و جلب اعتماد مردم.
- بهبود کیفیت مقررات از طریق حذف مقررات زائد و اصلاح قوانین بازدارنده یا کندکننده.
- مبنا قرار دادن قانون به عنوان مرجع اصلی حل مسائل کلان کشور و نظام‌مند کردن سازوکارهای مبارزه با فساد در همه سطوح جامعه.
- همکاری، هم‌دلی، و همراهی عملی مردم با برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران حوزه فرهنگ برای نهادینه شدن و گسترش مفاهیم و عناصر فرهنگی نگرش و رفتار مردم.
- ساده‌سازی روش‌ها و فرایندهای انجام گرفتن کار به منظور رضایت ارباب‌رجوع و کاهش هزینه‌ها.
- شفاف‌سازی مدارک و مستندات مالی جهت جلوگیری از هر گونه فساد توسط سازمان‌های دولتی و خصوصی و وضع قوانین و مقررات سخت‌گیرانه به منظور مقابله با فساد.

منابع

۱. الوانی، سید مهدی و محسن علی‌زاده ثانی (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۵۳، صص ۱ - ۲۴.
۲. آذر، عادل (۱۳۸۳). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، ج ۲، تهران، سمت.
۳. بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ سعید صفری؛ علی مرشدی‌زاد؛ عبدالمجید پولادگر (۱۳۹۱). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب»، *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ش ۱۲، صص ۶۵ - ۸۶.
۴. جوادی، حسن؛ محمود علمی؛ صمد صباغ (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۴ (۴)، صص ۲۹ - ۴۵.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت.
۶. حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۲). *آمار ناپارامتریک، روش تحقیق، و نرم‌افزار آماری SPSS*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. رجب‌زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۶). «آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی»، *علوم اجتماعی*، د ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۲۱)، صص ۳۱۹ - ۳۴۸.
۸. سکاران، اوما (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در مدیریت*، تهران، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی.
۹. شیخاوندی، داور (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعیتی ایران*، ج ۲، تهران، قطره.
۱۰. عنبری، محمد و سمیه حقی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۵، ش ۵، صص ۱ - ۲۶.
۱۱. کوزر، لوئیس و روزنبرگ برنارد (۱۳۸۷). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی.
۱۲. میرشاه جعفری، ابراهیم؛ محمدرضا عابدی؛ هدایت‌الله دریکوندی (۱۳۸۱). «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن»، *تازه‌های علوم شناختی*، د ۴، ش ۳ (مسلسل ۱۵)، صص ۵۰ - ۵۸.
۱۳. یعقوبی، نورمحمد (۱۳۹۴). *مدیریت دولتی (سیران‌دیشه‌های نوین)*، ج ۵، تهران، سمت.

14. Adler, Mitchel G. & Fagley, Nancy S. (2005). Appreciation: Individual differences in finding value and meaning as a unique predictor of subjective well-being, *Journal of personality*, 73 (1), pp. 79-114.
15. Ahr end, R. (2002). Press freedo, *Human capital and corruption*. DELTA working paper. p. 11.
16. Ahuvia, Aaron. C. (2008). "If money doesn't make us happy, why do we act as if it does?". *Journal of Economic Psychology*, 29 (4), pp. 491-507.
17. Billger, Sh. M., & Goel, R. K. (2009). Do existing corruption levels matter in controlling corruption Cross-country regression estimates. *Journal of Development Economics*, 90 (2), pp. 299-305.
18. Biswas (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management* 8, pp. 225–236.
19. Bjarnason, Thoroddur (2009). "anomie among European adolescents: conceptual and empirical clarification of a multi level sociological concept" sociological forum vol. 24, no.1.
20. Brand, H. (2007). Good Governance for the Public's Health, *European Journal of Public Health*, 17 (6), pp. 25-41.
21. Cao, liqun (2007). "returning to normality: anomie and crime in china", *international journal of offender therapy and comparative criminology* Vol. 51. No. 1, pp. 40-51.
22. Diener, Ed. (2005). Most People Are Pretty Happy, But There Is Cultural Variation: The Inughuit, the Amish, and the Maasai, *Journal of Happiness Studies*, 6 (3), pp. 205-226.
23. Diener, Ed. & Biswas-Diener, R. (2001). Income and Subjective Well-being: Will Money Make us happy?, *Social Indicators Research*. No. 57, pp. 119-169.
24. Durkheim, E. (1971). *crime and conformity, in mass society in crisis*, Bernard Rosenberg, Israel Gerver and William Howton, new York, Macmillan company.
25. Eddington, Number. & Shuman, R. (2004). Subjective Well-being. Presented by Continuity Psychology Education.
26. Evrensel, A. (2010). Corruption, growth & growth volatility. *International Review of Economics & Finance*, 19 (3), pp. 501-514.
27. Fukuyama, F. (2013). "What Is Governance?". *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institution*. Vol 26.No 3. pp 347–368.
28. Gupta, K. & Gupta, S. (2018). Durkheim's Theory of Anomie and the 2016 American Election. *Journal of Global Economy* 13 (4), pp. 250-267.
29. Herrala, R. & Turk-Ariss, R. (2016). "Capital accumulation in a politically unstable region". *International Money and Finance*, Vol. 64, pp. 1-15.
30. Keeping, Y. (2018). *Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis*. Hum. Soc. Sci., 11: pp. 1–8.
31. Lewis, M. & Gunila, P. (2009). *Governance in health care delivery: Raising performance*. World Bank policy, Research Paper, No. WPS 5074. pp. 1-2.
32. Mestrovic, S. & Ronald, L. (2008) Durkheim concept of Anomie and the abuse at abu ghohraib, *Journal of classical society*, Vol. 8. No. 2., pp. 179-207.
33. Montinola, G. R. & Jackman, R. W. (2002). Sources of corruption: A cross country study. *British Journal of political Science*, Cambridge University Press, 32 (1), pp. 147-170.

34. Osunyikanmi Pius Olakunle (2019). Good Governance and National Development: Nigeria in Perspective. *World Journal of Social Science Research*, 6 (1).
35. Roy, I. (2008). *Civil Society and Good Governance: (Re-) Conceptualizing The Interface*, *World Development*, (36) 4, pp. 677-705.
36. Rudra, P. Pradhan & Sanyal, G. S. (2011). Good Governance and Human Development: Evidence from Indian States, *Journal of Social and Development Sciences*, 1 (1), pp. 1-8.
37. Sepra (2018). Anomie in the sociological perspective of Émile Durkheim. *Sociology International Journal*, 2 (6), pp. 689–691.
38. Sew ornu, R. E. (2010). The role of good governance in improving woman's access right to land. *International Journal of Sustainable Development*, 1 (5), pp. 37-53.
39. Taye Demissie Beshi and Ranvinderjit Kaur (2019). *Public Trust in Local Government: Explaining the Role of Good Governance Practices*. *Public Organization Review*, pp. 1-14.
40. Thorns, D. C. (2002). *The Transformation of Cities: Urban Theory and Urban Life*, New York, Palgrave.
41. Yun Hyeok Choi, Jae Kyu Myung, & Jong Dae Kim (2018). The Effect of Employees' Perceptions of CSR Activities on Employee Deviance: The Mediating Role of Anomie. *Sustainability*, 10, 601.